

## تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا

مجید عباسی<sup>۱</sup>، فاطمه محمودزاده<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

### چکیده:

از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا شکل دادن به هویتی درهم‌تنیده و تحت عنوان محور مقاومت اسلامی است. قدرت‌گیری شیعیان در عراق، رشد حزب‌الله در لبنان، قدرت‌یافتن انصارالله در یمن، گسترش مبارزات شیعیان بحرین و افزایش قدرت و توانایی گروه‌های مقاومت فلسطینی از جمله مهم‌ترین آثار تأثیرگذار ایدئولوژی انقلاب اسلامی در این منطقه است. هدف اصلی این پژوهش مطالعه دلایل حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا است. برای تحقق هدف اصلی پژوهش، سؤال اصلی عبارت از این است که دلایل حمایت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت اسلامی چیست؟ چارچوب نظری پژوهش سازه‌نگاری و روش تحقیق نیز توصیفی-تبیینی است. یافته‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران به علت هویت اسلامی، رعایت و اجرای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر حمایت دینی از مسلمانان، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا، باورها، انگاره‌ها و ایستارهای مشترک با گروه‌های مقاومت و همچنین حفظ امنیت و منافع ملی خویش، اقدام به حمایت از محور مقاومت در چارچوب ایدئولوژی انقلاب اسلامی نموده است.

**واژگان اصلی:** مقاومت اسلامی، غرب آسیا، ایدئولوژی، سازه‌نگاری، هویت اسلامی.

## مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران، براساس مبانی مکتبی و اصول قانون اساسی، از آغاز شکل‌گیری، علیرغم مشکلات داخلی و خارجی، برحمایت مادی و معنوی از جریان مقاومت اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش تأکید زیادی داشته و در این راه هزینه‌هایی نیز پرداخته است. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌خصوص علیه اشغالگری و نیز شکل‌گیری تدریجی محور مقاومت با تأسیس حزب‌الله لبنان از اوایل دهه ۱۹۸۰ و تأسیس رسمی آن در سال ۱۹۸۳ و تسری آن به سایر جنبش‌های شیعی یا متمایل به ایران، یکی از خطوط کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که منبعث از «اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی» مردم ایران بوده و در «قانون اساسی»، «اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)» و همچنین در «منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)» تأکید شده است.

هویت در شکل‌گیری و استحکام و قدرت یافتن گفتمان مقاومت و مجموعه امنیتی محور مقاومت از نقش برجسته‌ای برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و ارزش و هنجارهای ناشی از آن است. بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن داشته است. این امر نقش مؤثری در شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله جنبش‌های اسلامی در لبنان و فلسطین ایفا کرده است و ضمن ساختار شکنی بین‌المللی، اقتدار و امنیت بین‌المللی مورد نظر غرب و کشورهای محافظه‌کار عربی را در مجموعه امنیتی غرب آسیا با تهدید روبرو ساخته است (کریمی، ۱۳۹۶: ۸).

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که دلایل حمایت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت اسلامی چیست؟ برای پاسخ مستدل به این سؤال از آنجاکه در نظریه سازه‌نگاری هویت و ایدئولوژی از مباحث مهم به شمار می‌رود لذا این نظریه به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. هدف اصلی این پژوهش تبیین چرایی حمایت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت است. روش این پژوهش به‌شیوه توصیفی - تبیینی است و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

## ۱- چارچوب نظری: سازه‌انگاری

در اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حداقل میان نظریات تبیینی و تأسیسی قرار می‌گیرد. از این طرح نو که در دهه ۱۹۹۰ در حوزه روابط بین‌الملل مطرح شد، تحت عنوان سازه‌انگاری یاد می‌شود (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۷).

سازه‌انگاری با رد برداشت‌های خردگرایانه نئورئالیسم و نئولیبرالیسم، دیدگاهی منطقی - اجتماعی به سیاست جهانی ارائه داد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل ساختار - کارگزار تأکید می‌کند (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۱: ۳۴). برای سازه‌انگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به‌عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل خلق‌شده و براساس آن‌ها، کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند (علی‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵).

سه تن از طرفداران اصلی این دیدگاه کراتوچویل<sup>۱</sup>، اونف<sup>۲</sup> و ونت<sup>۳</sup> هستند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶) «الکساندر ونت» جایگاهی برجسته در میان نظریه‌پردازان سازه‌انگاری دارد. به اعتقاد ونت، سازه‌انگاری یک تئوری ساختاری مبتنی بر این فرض است که کنشگران اجتماعی به‌طور اجتماعی ساخته می‌شوند: «آنچه را ما تحت عنوان دولت یا منافع ملی می‌شناسیم، نتیجه هویت‌های اجتماعی کنشگران است». او بر همین پایه، دیدگاه خود را راجع به سیاست بین‌الملل تدوین و مطرح می‌کند (عسگرخانی و منصورى‌مقدم، ۱۳۸۹).

محور اصلی این نظریه این است که فاعل شناسا، دانش و معنا را فعالانه و بر مبنای تجربیات قبلی خود می‌سازد و ریشه آن به اندیشه فیلسوفانی نظیر هگل، کانت و نیچه برمی‌گردد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۵۹)؛ همچنین سازه‌انگاران کانون بحث را در روابط بین‌الملل از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کردند (علی‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴).

سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آن‌ها گسترش یابند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵) و روابط میان دولت‌ها براساس معنایی است که آن‌ها برای یکدیگر قائلند؛ بنابراین کنشگران، هویت از پیش تعیین‌شده ندارند و هویت آن‌ها

1. Kratochwil

2. Onuf

3. Wendt

در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۴۴). این نظریه بر آن است که نمی‌توان روابط میان دولت‌ها و سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلانی و در چارچوب‌های صرفاً مادی و فیزیکی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، بلکه باید به عوامل ناشی از نقش انگاره‌ها، قواعد و هنجارها در شکل‌دهی روابط بین‌الملل در کنار ساخت مادی آن توجه داشت و در رابطه با تأثیر هنجارها، ذهنیت و عوامل فکری در شکل‌دهی به رفتار کنشگران، جایگاه ویژه‌ای را برای هویت، ذهنیت، هنجارها و انگاره‌ها قائل شد (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۳).

برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و غیره همراه باینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برآیندها شکل می‌دهند، مهم است. این‌ها نوعی «جهان‌بینی» ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱). در حقیقت هویت در کانون رهیافت سازه‌انگاری است (Wendt, 1994: 348) به‌ویژه اینکه می‌توان ساختارها و عمل سیاسی یک کشور را از طریق مراجعه به هویت آن کشور توضیح داد (Karimifard, 2012: 240). سازه‌انگاران بر «برساخته بودن» هویت کنشگران تأکید داشته و اهمیت هویت را در خلق و شکل‌گیری منافع و کنش‌ها می‌دانند. کنشگران از این منظر به شکل اجتماعی قوام می‌یابند و هویت‌های آن‌ها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۶؛ شماره ۶۵) بنابراین از دید سازه‌انگاران هویت‌ها و برداشت‌های ذهنی یک دولت از دولت‌های دیگر است که به قدرت شکل می‌دهد (Guzzini, 2005: 33).

از دیدگاه نظریه سازه‌انگاری، هویت‌های بالقوه، بخشی از رویه‌های سازنده دولت و بنابراین مولد کنش‌های آن‌ها در داخل و خارج هستند. دولت‌های گوناگون براساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر رفتار متفاوتی در قبال آن‌ها دارند. بدین منوال، الگوهای متفاوتی از رفتار شکل می‌گیرد. هویت به هر دولت برداشت‌هایی از دیگر دولت‌ها، سرشت، انگیزه‌ها، منافع، ایستارها و نقش‌هایشان در هر بافت سیاسی مشخص می‌دهد (هویف، ۱۳۸۶: ۴۷۶).

از آنجاکه سازه‌انگاران معتقدند تنها ابعاد مادی نمی‌تواند علت کنش افراد در جامعه باشد و در کنار آن ابعاد معنوی نیز نقش بسیاری در شکل‌گیری رفتار در بین مردم دارد و این رفتار در یک فضای بین‌الذهانی شکل می‌گیرد و به تعامل و کنش از سوی کنشگران منجر می‌شود؛ لذا می‌توان گفت که شکل‌گیری دولت و قدرت در جامعه داخلی و خارجی نیز با توجه به کنش بین‌الذهانی افراد صورت پذیرفته و هرگونه جنگ و صلح نیز در راستای این کنش‌ها شکل می‌گیرند (جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۲).

به‌طور کلی این تئوری اعتقاد دارد هویت، ناشی از تعاملات بازیگرانی است که برحسب معانی ذهنی، زبانی و منافع که دارند علائمی به هم می‌فرستند و دیگران این علائم را براساس منافع و برداشت‌های خود تفسیر می‌کنند و در این تعاملات، هویت‌ها شکل می‌گیرد؛ بنابراین از نظر تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها از طریق انگاره‌ها و نحوه برداشت دولت‌ها از یکدیگر و با توجه به منفعتی که به دنبال آن می‌باشند در یک دنیای بین‌الذهانی و از طریق تعامل است که شکل می‌گیرند. نتیجه طبیعی این امر در بررسی سیاست خارجی یک کشور بدین شکل است که یک دولت، براساس تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و براساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابلاً خود نیز ساخته می‌شود. در این فرآیند دولت‌های متناسب با هویت و ایدئولوژی برساخته به دولت‌ها یا بازیگران غیردولتی که با آن‌ها دارای اشتراکات انگاره‌ای و بین‌الذهانی هستند نزدیک می‌شوند و منافع مشترک خود را تعریف می‌کنند.

## ۲- محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا

محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی (الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، عنوان شد و در آن ذکر شده بود کشورهایی که رئیس‌جمهور آمریکا از آن‌ها با عنوان «محور شرارت» نام می‌برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل ایالات متحده آمریکا و تلاش آن برای سلطه‌گری بر سایر کشورها محسوب می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۶: ۳-۲). گفتمان مقاومت، در واکنش به سیاست‌ها و اقدامات کشورهای سلطه‌گر در دوران استعمار کهن، استعمار نو و استعمار فرانو در بیشتر کشورهای جهان نهادینه شده است (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

اصطلاح محور مقاومت اسلامی، نمایانگر اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران، سوریه و عراق به‌عنوان بازیگران دولتی و حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین به‌عنوان بازیگران غیردولتی است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک می‌باشند. هدف اصلی محور مقاومت مقابله با سلطه‌گری آمریکا بر سایر کشورها، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و مخالفت با سیاست‌های برخی رژیم‌های محافظه‌کار عرب منطقه از جمله عربستان سعودی می‌باشد (Mohns and Bank, 2012: 1). این محور، وجوهی از جمله عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، واقع‌بینی و ... را واجب می‌دانند.

در این راستا، حماس (فلسطین) و حزب الله (لبنان) متحدان استراتژیک ایران هستند و سوریه پل ارتباطی آنان می‌باشد. عراق نیز، بعد از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و به قدرت رسیدن حکومت شیعی، خود را به محور مقاومت نزدیک کرد. به دلیل رابطه نزدیک جمهوری اسلامی ایران با حکومت شیعی عراق، رابطه با سوریه و حزب الله لبنان، این مسئله مطرح شده که توازن استراتژیک منطقه‌ای به هم خورده؛ و ایران به جایگاه ویژه و برتری دست یافته است. از جمله کشورهای منطقه که نسبت به این مسئله واکنش نشان دادند رژیم صهیونیستی و عربستان بودند و درصدد مقابله با ایران و مقاومت برآمدند (نجات و جعفری ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۳). علاوه بر سوریه، عراق، فلسطین و لبنان یمن نیز بعد از قدرت گرفتن انصارالله در محور مقاومت ضد صهیونیستی، آمریکایی و سعودی قرار گرفته است.

## ۱-۲. لبنان / حزب الله

حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال این کشور، زمینه‌ساز تشکیل حزب الله شد؛ در واقع، ضرورت مقابله با تجاوزگر، حزب الله را به یک سازمان مبارز نظامی تبدیل کرد (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). حزب الله با مقاومت موفقیت آمیز در دهه ۱۹۸۰ در برابر رژیم صهیونیستی و شکست عملیات ۱۶ روزه خوشه‌های خشم رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۶ بین مردم نفوذ زیادی بدست آورد (عطایی و بیات، ۱۳۸۹: ۲۰۹). رژیم صهیونیستی در ژوئیه ۲۰۰۶ به بهانه آزاد کردن دو نظامی خود، تهاجمی گسترده را به لبنان آغاز کرد. رژیم صهیونیستی از حمله به لبنان دو هدف عمده را دنبال می‌کرد: یکی متلاشی کردن حزب الله لبنان و دیگری آزاد کردن دو نظامی خود؛ اما شکست نظامی رژیم صهیونیستی در این جنگ ۳۳ روزه، باعث شد حزب الله نفوذ بسیاری در کشورهای عربی و اسلامی بدست آورد.

نوع نگاه و چگونگی برخورد حزب الله با مسئله فلسطین، علاوه بر نگاه منطقه‌ای حزب الله به موضوع مقاومت، به هویت اسلامی آنان نیز مرتبط می‌باشد. مواضع مسئولان حزب الله در مورد ضرورت حمایت از مقاومت فلسطین از طریق تجهیز آن‌ها به سلاح و حمایت لجستیک از نوار غزه مؤید تلاش برای ایفای نقش منطقه‌ای در پرونده فلسطین است (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). همچنین ورود حزب الله به بحران سوریه و نجات نظامی که در آستانه سقوط قرار داشت، حاکی از آن است که حزب الله توانسته نقش خود را به عنوان یک بازیگر غیردولتی منطقه‌ای به خوبی ایفا کند. در حال حاضر، حزب الله در غرب آسیا و در جهان اسلام به عنوان نیرویی شناخته می‌شود که

توان شکست رژیم صهیونیستی و ضربه زدن به منافع غرب را دارد.

بنابراین، مقاومت لبنان خود را راهنما و دلیلی می‌داند برای هموار ساختن راهی که می‌بایست کلیه رزمندگان آن راه را دنبال کنند تا رژیم صهیونیستی را نابود ساخته و قدس شریف را آزاد سازند (الشامی، ۱۳۶۶: ۵۸). این هدف در بین کشورهای محور مقاومت مشترک می‌باشد.

## ۲-۲. فلسطین / حماس

حماس نام اختصاری «حرکه المقاومة الاسلامیه» است که شش روز پس از آغاز انتفاضه اول فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ به‌عنوان شاخه‌ای از جنبش اخوان المسلمین توسط احمد یاسین شکل گرفت (فوزی و علی‌بخشی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). این جنبش به‌منظور مقابله با تجاوزات رژیم صهیونیستی تأسیس شده و هدف نهایی آن نابودی رژیم صهیونیستی و آزادی سرزمین فلسطین است. حماس هرگونه مذاکره و اقدام سازش‌کارانه را مردود می‌شمارد و رژیم صهیونیستی را تحت هیچ شرایطی به رسمیت نمی‌شناسد (زارعان، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و مخالف قرارداد اسلو است که بین ساف (سازمان آزادی بخش فلسطین) و رژیم صهیونیستی بسته شد. هدف کوتاه‌مدت حماس، اخراج یهودیان و رژیم صهیونیستی از فلسطین است و در بلندمدت تشکیل حکومت اسلامی در فلسطین را در دستور کار دارد (دورانی، ۱۳۸۳: ۴۹)؛ همچنین حماس از تأسیس دولت اسلامی حمایت کرده و معتقد به تشکیل دولتی اسلامی و پیاده ساختن تمام ابعاد اسلام در تمام جوانب زندگی است (میلتون، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بسیار واضح و بدون پیچیدگی سیاست ایران را درخصوص حماس و یا هر جنبش دیگری را معلوم می‌سازد: «حمایت از مقاومت، وظیفه همه ما است و هیچ‌کس حق ندارد در برابر کمک، از آنان انتظار ویژه‌ای داشته باشد. آری، تنها شرط کمک این است که این کمک‌ها در جهت تقویت بنیه مردم فلسطین و ساختار مقاومت هزینه شود. پابندی به اندیشه ایستادگی در برابر دشمن و مقاومت در همه ابعاد آن، ضامن استمرار این کمک‌ها است. موضع ما نسبت به مقاومت یک موضع اصولی است و ربطی به گروه خاصی ندارد» (فائزی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین آرمان قدس فلسطین موضوعی است که رابطه و میزان حمایت جمهوری اسلامی از هر جریانی با هر ایدئولوژی‌ای را مشخص می‌سازد و ایران با هیچ گروه یا جریان خاصی رفتاری متفاوت از اصول خویش یعنی مبارزه با رژیم صهیونیستی نخواهد داشت. ملت فلسطین با الگو قرار دادن ایستادگی و مقاومت حزب‌الله در مقابل اشغالگری رژیم صهیونیستی، در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶، به پیروزی در جنگ ۲۲ روزه (۲۰۰۸-۲۰۰۷) در مقابل رژیم صهیونیستی دست یافتند؛ بنابراین، مقابله و پیروزی مقاومت حزب‌الله و حماس در برابر

رژیم صهیونیستی و پیوند قوی آن‌ها با انقلاب اسلامی، پدیده مقاومت را به‌عنوان بازیگری مهم در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح نموده است (کریمی، ۱۳۹۶: ۶۹).

### ۲-۳. سوریه

حمله به سوریه و جنگ علیه این کشور که از سوی آمریکا، انگلستان، رژیم صهیونیستی، عربستان و حتی ترکیه برای سرنگونی رژیم بشار اسد صورت گرفت و به دنبال آن ده‌ها هزار نفر تروریست تکفیری از سراسر جهان وارد منطقه شدند، از نتایج شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ می‌باشد. رژیم صهیونیستی به دلیل اینکه توانایی ضربه زدن و نابودی حزب‌الله لبنان را نداشت، تصمیم گرفت به عمق استراتژیک مقاومت و اتصال این محور یعنی ایران، لبنان و فلسطین حمله کند. در ابتدا رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد که حداکثر تا ۳ ماه، محور مقاومت شکست‌خورده، ارتش سوریه تجزیه شده و رژیم اسد سرنگون می‌شود. در نهایت رژیمی سرکار خواهد آمد که مخالف محور مقاومت بوده و در محور دوستان آمریکا در منطقه عمل کند؛ اما مقاومت نزدیک به شش سال ادامه یافت (مهتدی، ۱۳۹۵: دیپلماسی ایرانی).

در این راستا، مقامات دولت سوریه می‌گویند، این ناآرامی‌ها از خارج از کشور هدایت می‌شود و گروه‌های مسلح تحت حمایت غرب عامل کشتار غیرنظامیان هستند. از طرفی، باتوجه به دژ مستحکمی که توسط ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان در برابر استکبار به‌ویژه صهیونیسم ایجاد شده، غرب و مزدوران آن‌ها در منطقه نتوانستند در ایران و حزب‌الله عملی انجام دهند (دهسیری و عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۷۱). بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه نیز، یکی از دلایل مهم بودن روابط راهبردی ایران و سوریه را حمایت دو کشور از مقاومت اسلامی می‌داند. سوریه به لحاظ موقعیت خاص ژئوپلیتیکی یعنی همسایگی با رژیم صهیونیستی، لبنان، فلسطین و عراق نقش اتصال‌دهنده محور مقاومت را دارد.

### ۲-۴. عراق

پس از سقوط صدام و انتقال قدرت به مردم این کشور، شیعیان به علت آنکه اکثریت مردم عراق را تشکیل می‌دهند، براساس قواعد دموکراسی، قدرت را در این کشور به دست گرفتند. به‌رغم فراز و فرود فراوان، دولت این کشور به سمت اعمال حاکمیت پیش می‌رفت تا اینکه نیروهای داعش ناگاه و به‌سرعت حدود یک‌سوم از قلمرو عراق را اشغال کردند. گرچه در دوره پس از صدام، تحولات داخلی در عراق که بر امنیت ملی - هویتی ایران تأثیر دارد، مورد توجه

سیاست‌گذاران خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته، اما حضور داعش در عراق، حساسیت و پیچیدگی مسائل عراق را برای جمهوری اسلامی دوچندان نمود. جنس تهدیداتی که داعش علیه عراق و ایران رقم زد، به صورت رسمی عراق را در جرگه محور مقاومت قرار داد. داعش یکی از سازمان‌های تروریستی جریان سلفی گری - تکفیری محسوب می‌شود که زمینه‌ها و عوامل این سازمان ریشه در تحولات منطقه غرب آسیا پس از خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی دارد. شکل‌گیری داعش به دوره پس از حمله آمریکا به عراق و ورود اعضای القاعده به این کشور باز می‌گردد (Al-Tamimi, 2013: 20). تضعیف محور مقاومت اسلامی از اهداف برنامه‌ریزی شده برای تشکیل خلافت اسلامی در بخش‌هایی از خاک عراق و سوریه بود. مناطقی که داعش تصرف کرد، ارتباط فیزیکی جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده بود زیرا عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران از عراق تا لبنان و فلسطین است (پورحسن، ۱۳۹۳). هویت مشترک و تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند، بسیار مهم است. در حقیقت دولت‌های عراق و جمهوری اسلامی به این گروه‌ها به‌عنوان منشأ بیشترین تهدید موجود می‌نگرند و در این مورد به درک مشترکی در این مورد رسیده‌اند. با این درک و با ورود مستقیم این گروه‌ها به عراق، درک مشترک طرفین از میزان تهدیدها به شکل قابل توجهی افزایش یافت. حضور مستشاری نیروهای ایرانی در عراق و تلاش برای سازماندهی نیروهای عراقی ناشی از درک این تهدید در بین تصمیم‌سازان نظامی و سیاسی در ایران بود. از این رو به نظر می‌رسد با تلاش نوسلفی‌ها برای تقویت جایگاهشان در عراق، سطح اتحادسازی در روابط تهران-بغداد ارتقا یافت و تلاش برای محدودسازی تهدید مشترک به ارتقای سطح روابط دو طرف یاری رساند. این ادراک مشترک با گسترش تحركات شیعه‌ستیزانه داعش در عراق تشدید شد (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷: ۵۷).

## ۲-۵. انصار الله / یمن

مردم یمن در فوریه ۲۰۱۱ قیام خود را علیه رژیم حاکم بر این کشور آغاز کردند که نتیجه آن کناره‌گیری علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور وقت، از قدرت در سال ۲۰۱۲ بود. به‌رغم این اتفاق، منصور هادی معاون رئیس‌جمهور، این بار بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد و بسیاری از مقامات پیشین نیز جایگاه‌های خود را حفظ کردند و فساد مالی و اداری همچنان ادامه داشت. از سوی دیگر تکفیری‌های القاعده فعال‌تر از هر زمان با تصرف بخش‌هایی از یمن به‌ویژه در استان مآرب

چالش امنیتی جدی پیش روی این کشور قرار داده بودند. افزون بر این، تلاش دولت برای تصویب برخی طرح‌ها مانند تقسیم یمن به شش اقلیم یا دو بخش شمال - جنوب و اداره کشور به شیوه فدرالی، بیش از آنکه در راستای تقویت وحدت ملی باشد برای تضعیف بخش عمده‌ای از جمعیت این کشور (شیعیان زیدی) انجام می‌گرفت و می‌توانست یمن را با خطر تجزیه مواجه کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۵).

در چنین شرایطی تصمیم دولت در افزایش قیمت سوخت به‌مثابه جرقه‌ای در انبار باروت عمل کرد و اعتراضات مردمی را در پی داشت. از میان جریان‌های سیاسی موجود در یمن جریان انصار الله رهبری این اعتراضات را در دست گرفت و توانست با بسیج گروه‌های مختلف مردم و با سازماندهی آنان در قالب کمیته‌های مردمی دولت را وادار به پذیرش خواسته‌های مردمی کند. منصور هادی به رویارویی مسلحانه با انصار الله و متحدانش پرداخت و پس از ناکامی به عربستان فرار کرد و خواهان مداخله نظامی خارجی در یمن شد.

عربستان سعودی و متحدانش اقدام به حمله نظامی به یمن کردند که به‌رغم خسارات مالی و جانی برای مردم یمن، با موفقیت همراه نبوده است. بی‌تردید پیروزی انصار الله در عرصه سیاسی یمن و توفیق این جریان در همراه کردن اکثریت مردم این کشور با خود به معنی تفوق محور مقاومت بر محور محافظه‌کاری در یمن است.

تأکید محور مقاومت بر استبداد و استکبارستیزی و عدم سازش با رژیم صهیونیستی می‌توان در جنبش انصار الله مشاهده کرد. به‌ویژه که حسین الحوثی رهبر شهید و پیشین انصار الله مدتی را در قم و در حوزه علمیه آن شهر گذراند و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) متأثر بود که نمود آن را در سخنرانی معروف وی در ژانویه ۲۰۰۲ می‌توان مشاهده کرد (<https://hawzah.net/fa/Article/View/98306>).

آنچه وی در این سخنرانی بیان کرد به‌نوعی باورهایی است که محور مقاومت حول آن شکل گرفته است. باورهایی مانند مخالفت با حضور بیگانگان و تسلط آنان بر کشورهای اسلامی، مقابله با تروریسم تکفیری و هابیت و اتحاد با جمهوری اسلامی ایران حول محور مبارزه و مقاومت با اشغالگری رژیم صهیونیستی. این باورها و اعتقادات یمن را به یکی از محورهای مهم مقاومت اسلامی در اتحاد با جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است.

## ۲-۶. جمهوری اسلامی ایران

در پی انقلاب ایران، ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعه در مقابل ایدئولوژی‌های دیگر مثل ایدئولوژی وهابی قرار گرفت. در سال‌های پس از وقوع خیزش‌های مردمی در غرب آسیا و شمال آفریقا، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک الگو برای برخی از گروه‌ها در این تحولات مطرح شده است (رضوانی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۵۷). در اینجا لازم است به اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره شود:

- نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛
- استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی؛
- حمایت از مستضعفان و محرومان؛
- حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان؛
- همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی؛
- عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل؛
- تعهد به قراردادهای، معاهدات و قوانین بین‌المللی. (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

همچنین بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی، «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را، حق تمام مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند. شاید همین چند کلمه از قانون اساسی کشورمان، پاسخ عده زیادی از مردم باشد که خیلی وقت‌ها می‌پرسند: ما چرا از جنبش‌های آزادی‌بخش دفاع می‌کنیم؟ مگر وظیفه ماست؟ و... این موضوع از اندیشه امام راحل مبنی بر کمک‌رسانی به مستضعفین در مقابل مستکبرین ناشی می‌شود. جنبش‌های رهایی‌بخش که نمایندگان مردم مستضعف هستند و بیشتر در کشورهای عربی و آفریقایی دیده می‌شوند مانند حزب‌الله لبنان، حماس، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، انصارالله یمن و ... با نمونه قرار دادن رهبری امام راحل در نفی استکبار، مسیری را طی می‌کنند که انقلاب اسلامی بر اساس آن پیروز شد. آن‌ها در برابر استکبار خارجی و استثمار داخلی، ایستادگی کرده و در این میان وظیفه جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل ۱۵۴، کمک به آن‌هاست. حمایتی که منجر به شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا شده است.

از هنگام برپایی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً این کشور براساس اصل و بینش حمایت از مقاومت لبنان و فلسطین علیه رژیم صهیونیستی گام برداشته است، اشغال عراق را به دلیل آثار منفی آن بر منافع عراق و خود مردود شمرده و وارد پیمان مستحکمی با سوریه شده است (قاسم، ۱۳۸۷: ۹). مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد رژیم صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای ایران و سوریه به شمار می‌رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده است (دهشیری و عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۷۰). جمهوری اسلامی ایران ستون اصلی محور مقاومت است. اساس اندیشه مقاومت اسلامی و هویت‌یابی آن با پیروزی انقلاب اسلامی نضج گرفته و تداوم یافته است.

### ۳- دلایل ایدئولوژیک حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت<sup>۱</sup> براساس نظریه سازه‌انگاری

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یکی از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش در برابر مستکبران می‌باشد. برای تحقق این دو اصل به دو صورت می‌توان عمل کرد: نخست، مبارزه با مستکبران و سلطه‌گرانی که مهم‌ترین عامل استضعاف ملت‌ها هستند، دوم، حمایت و پشتیبانی از ملت‌های مستضعف که معلول نظام سلطه و خشونت ساختاری نظم استکباری هستند؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به موازات مبارزه با استکبار و استعمار، خود را موظف به حمایت از مستضعفان جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش می‌داند که با مستکبران و استعمارگران نبرد می‌کنند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). در ادامه به دلایل حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اشاره می‌شود:

#### ۳-۱. ایجاد امنیت و گسترش نفوذ در منطقه غرب آسیا

منطقه غرب آسیا به دلایل تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و وجود منابع سرشار انرژی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از مهم‌ترین مناطق جهان است. کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده منافع ویژه‌ای در این منطقه دارند که از طریق متحدان خود آن‌ها را تأمین می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی دیدگاه‌های ایدئولوژیک و تجدیدنظرطلبانه جمهوری اسلامی ایران در مقابل نظم موردنظر آمریکا و متحدانش قرار گرفت. لذا تلاش برای ساقط کردن نظام جمهوری

اسلامی ایران هموار در دستور کار آنها بوده است. تحت این شرایط یکی از راهکارهای مهم جمهوری اسلامی ایران برای حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای از یکسو و نیز پیشگیری از وقوع تهدیدات علیه امنیت ملی خویش از سوی دیگر، تقویت پیوندها با گروه‌های مقاومت و افزایش نفوذ در منطقه بوده است.

براساس این راهبرد، اگر ایالات متحده آمریکا به ایران کوچک‌ترین تعرض و دخالتی کند، کشورها و دولت‌های منطقه‌ای و غیر منطقه‌ای بسیاری درگیر خواهند شد و این دقیقاً یکی از جنبه‌های مهم بازدارندگی ایالات متحده آمریکا از حمله نظامی به ایران است؛ موضوعی که بارها به‌صراحت توسط سیاستمداران و کارشناسان مسائل نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی مطرح و آن را به‌عنوان مانع بزرگ در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران برشمرده‌اند، بنابراین، حمایت از مقاومت اسلامی در منطقه، با نگاه منفعت‌گرایانه و سازه‌انگارانه نیز قابل توجیه است.

## ۲-۳. هویت اسلامی

احساس وابستگی ایرانیان به فرهنگ، ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی - شیعی و تعلق به یک محیط جغرافیایی - مذهبی ویژه از مهم‌ترین مسائل هویت‌بخش به انقلاب اسلامی و نیز محور مقاومت به شمار می‌آید و سبب پرننگ شدن هویت اسلامی - شیعی در آن گردیده است (کریمی، ۱۳۹۶: ۹). امری که در سازه‌نگاری بسیار بر آن تأکید شده است.

از دیدگاه اسلام، هر مسلمان ضمن برخورداری از یک هویت فردی، عضوی از یک جامعه بزرگ اعتقادی محسوب می‌شود. امت اسلامی، به دلیل توطئه‌های استکبار و وابستگی عموم سران کشورهای اسلامی، از هویت خود فاصله گرفته و برای بازیابی هویت خود باید ابتدا ویژگی‌ها و مختصات شرایطی که در آن قرار دارد را بشناسد (فرزندی‌اردکانی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

هویت دولت جمهوری اسلامی ایران یک موضوع شناختی مبتنی بر فهم مشترک از خود و کشورهای دیگر است. مهم‌ترین مشخصه‌های هویتی دولت جمهوری اسلامی ایران در حال و آینده عبارتند از:

- ام‌القرآ، رهبر و الهام‌بخش جهان اسلام؛
- حامی مستضعفان؛
- دولت عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز؛
- دولت ضد امپریالیست، ضد استکباری و ضد استعماری؛
- کشور صادرکننده انقلاب. (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

زارعان در مقاله خود درباره هویت اسلامی و محور مقاومت آورده است: روند هویت‌یابی مسلمانان در چند دهه اخیر، باعث برجسته شدن عامل هویت در مناسبات اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی شده و یافته‌های آن مؤید این واقعیت است که در دوره‌های زمانی که محیط ملی یا بین‌المللی دچار بحران می‌شود، افراد و گروه‌های اجتماعی، به یکی از ابعاد هویت چند پارچه خود توجه بیشتری نشان می‌دهند. از این رو، «محور مقاومت» به‌عنوان «هویت برساخته‌ای» که تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از بازیگران را در یک کیان ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری به نام «محور مقاومت» مجتمع ساخته، تحت تأثیر این بحران‌ها به حاشیه رانده شده و هویت‌های قومی، مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیکی برجسته‌تر از گذشته شده‌اند. بر این اساس تا زمانی که بازیگرانی فعال در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی، تحت تأثیر چالش‌های هویتی قومی، مذهبی، ملی و... تنظیم کنند، «هویت مقاومت» و به تبع آن، مقاومت ضد صهیونیستی به حاشیه رانده خواهد شد (زارعان، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

### ۳-۳. رعایت اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی به حمایت دینی

کنش‌ها و واکنش‌های هنجاری و ارزشی در آستانه انقلاب اسلامی باعث ظهور هویت اسلامی در ایران شد. با شکل‌گیری و ظهور هویت جدید در قالب جمهوری اسلامی ایران، انگاره‌های مادی برای تحلیل سیاست خارجی در تنگنا قرار گرفتند؛ در واقع، در سیمای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «دیانت» با «سیاست و قدرت» پیوندی فاخر یافتند که با کاربست ادبیات سازه‌انگاری می‌توان به اهمیت و نقش مستقل انگاره‌های هویتی اذعان کرد (ابوالفتحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۷). انقلاب اسلامی اعتقاد داشت که آنچه روح جمعی یک ملت را می‌سازد، تنها قواعد مادی و سرمایه‌داری نیست، بلکه از آن مهم‌تر، اتکای یک ملت بر ارزش‌ها و هویت دینی خود است. این هویت جدید، با هرگونه استعمار سر ناسازگاری داشت (متقی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

### ۳-۴. مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی

وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی از ضروریات فقه اسلام است؛ براساس آیات و روایات، مسلمانان نمی‌توانند در قبال تهاجم بیگانگان به سایر هم‌کیش خود بی‌تفاوت باشند. بر این اساس، همه مسلمانان وظیفه دارند، از مسلمانانی که در بخشی از سرزمین‌های اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، دفاع کنند و با جان و مال خود، در راه خدا جهاد کرده و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و

نظامی، حمایت‌های لازم را به‌عمل آورند (پگاه‌حوزه، ۴ آذر ۱۳۸۵: ۲۲).

براین‌اساس، مراجع و روحانیون ایران به طرق گوناگون حمایت خود را از حزب‌الله لبنان و مردم فلسطین در جنگ ۳۳ روزه اعلام داشتند و از این طریق با جامعه شیعی ابراز همدردی کردند. آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید کردند: «امروز مسئله لبنان، نه‌تنها موضوعی شیعی و اسلامی که مسئله جهانی و انسانی است و بی‌تفاوتی در برابر این تجاوز آشکار به حقوق انسان‌ها جبران‌ناپذیر است» (کشاورز شکری و صادقیان، ۱۳۹۲: ۹۳).

### ۳-۵. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

سازهانگاران هویت را پایه و اساس منافع می‌دانند و بر این باورند که دولت‌ها بر اساس هویتی که دارند، منافع خود را تعیین می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، هویت‌ها از طریق مشخص کردن اینکه دولت‌ها «چه» و «که» هستند، مجموعه‌ای از منافع و ارجحیت‌ها را با توجه به گزینه‌های اقدام در یک حوزه موضوعی خاص و با توجه به بازیگران خاص ایجاد می‌کنند (دهشیری و عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۶۱). درخصوص محورهای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد: حفظ امنیت ملی، اسلامیت و جمهوریت نظام، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، وحدت ملی، معیشت ضروری مردم، استقلال سیاسی، پرستیژ و افتخارات ملی، تعمیم عدالت و رفاه، صلح و امنیت بین‌المللی، حفظ محیط‌زیست (پگاه‌حوزه، ۴ آذر ۱۳۸۵: ۲۲). ازاین‌رو، اهداف فراملی، از ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرد و ناظر بر پیگیری و تأمین ارزش‌هایی در خارج از مرزهای سرزمینی ایران جهت شکل دادن به محیط خارجی و نظم بین‌المللی است (رضازاده و نجفی، ۱۳۹۵: ۱۵۴).

بنابراین حمایت از جنبش‌های اسلامی بر این اصل استوار است که مسلمانان دارای منافع و مصالح مشترکی هستند که دولت اسلامی در قبال تحقق و تأمین آن مسئولیت دارد. براساس این اصل، جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۳۳ روزه، از لبنان و حزب‌الله حمایت کرد و سیاست‌های خود را در راستای دفاع از مستضعفین و جنبش‌های آزادی‌بخش تنظیم کرد (عباسی و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۷۷). چنان‌که می‌توان گفت نه‌تنها میان وظایف ایدئولوژیکی دولت اسلامی با منافع ملی ایران اسلامی تعارضی نیست، بلکه این دو می‌توانند در تعامل و هماهنگی با یکدیگر عمل کنند.

### ۳-۶. مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی

مشروعیت رژیم صهیونیستی وابسته به اجرای آموزه‌های ایدئولوژیک صهیونیسم است. جریان سیاسی که امروز به صهیونیسم سیاسی شهرت دارد و باعث ایجاد چالش‌های مهمی در منطقه غرب آسیا شده است، بر مبانی و بنیان‌های خاص مذهبی استوار است. این رژیم بر پایه باورهای سیاسی یهودیت شکل گرفت که به شدت «غیر» استیاز است و آن‌کس که خارج از چارچوب‌های تفکر صهیونیستی بیندیشد، طرد خواهد شد؛ اما جمهوری اسلامی ایران، بر پایه اعتقادات انسانی، ضد سلطه و ظلم ستیز بناشده، بر همین اساس، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی نافی موجودیت نژادپرستانه رژیم صهیونیستی است (ابوالفتحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۷)؛ بنابراین یکی از وجوه مشترک آشکار بین اعضای محور مقاومت، حمایت کامل از آرمان فلسطین، آزادی آن، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و نگاه اعتقادی به مسئله فلسطین است.

### ۳-۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصول و قوانین انقلاب اسلامی، از آموزه‌های دین اسلام سرچشمه می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری تاکنون، یکی از وظایف خود را آزادی و بیداری سایر ملل مظلوم جهان و حمایت از حقوق آنان می‌داند.

پس از رأی مثبت مردم به قانون اساسی جمهوری اسلامی، رهبر انقلاب و مسئولین رده‌بالای انقلاب اسلامی بر لزوم قانون‌گذاری بر اساس شریعت و اجرای آن تأکید داشته‌اند. لذا بر اساس قانون اساسی و مطابق رأی مردم، حکومت ایران به حمایت ایدئولوژیک از محور مقاومت پرداخته است. سایر بازیگران محور مقاومت نیز مانند ایران عمل می‌کنند. برای مثال جنبش حماس نیز بر ضرورت آگاهی جامعه از شریعت تأکید می‌کند و در ماده ۱۶ میثاق نامه خود در زمینه قانون شریعت آورده است که مسلمانان باید بر اساس تعالیم اسلام شامل انجام وظایف و فرایض دینی، تأمل عمیق و آگاهانه در کتاب خدا و بررسی سنت نبوی و آگاهی از تاریخ و میراث و تمدن اسلامی از منابع موثق و با نظارت متخصصان و دانشمندان آموزش ببینند و تربیت شوند و از نظام‌های آموزشی در این راستا بهره گرفته شود که بیش صحیح و سالم در اندیشه و اعتقاد را به مسلمانان انتقال دهد (فوزی و علی‌بخشی، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۰۸). جنبش انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان نیز بر این مسائل تأکید دارند و قانون اساسی عراق نیز با غلظت کمتری بر این مسئله تأکید می‌کند.

## نتیجه‌گیری

بر اساس مکتب سازه‌انگاری، هویت یک دولت با توجه به ارزش‌های گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد و دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص و ویژه، آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. در واقع، سازه‌انگاری در مورد کنشگران معتقد به سرشت اجتماعی آن‌هاست؛ به این معنا که این تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آن‌ها قوام می‌بخشند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هویت بر اساس هویت اسلامی- ایرانی تعریف شد و دین نسبت به هویت ایرانی، اولویت بیشتری پیدا کرد. هویت در فرآیند تصمیم‌گیری بسیار مؤثر می‌باشد. از طرفی هویت شخص تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار و از طرف دیگر، هویت جمعی و ملی اثرگذار هستند. در شرایط کنونی که منطقه غرب آسیا و دنیای عرب بیش از گذشته دچار بی‌ثباتی و ناامنی شده، ایران به‌عنوان یک دولت باثبات در برابر ایالات متحده آمریکا و متحدان منطقه‌اش ایستاده است.

جمهوری اسلامی ایران در صدد است تا با تأکید بر هویت اسلامی خود، آرامش را به منطقه بازگرداند. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و بخصوص محور مقاومت و مبارزات ملت فلسطین و لبنان به‌عنوان یک «گفتمان اسلامی فراگیر» علیه اشغالگری، یکی از خطوط اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد که منبث از «اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی» مردم ایران بوده و در «قانون اساسی» و «اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران» بر آن تأکید شده است.

اگر سازه‌انگاری را با محور مقاومت اسلامی و ایدئولوژی منبث از جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهیم، به این نتیجه خواهیم رسید که جمهوری اسلامی ایران به علت هویت اسلامی، رعایت و اجرای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر حمایت دینی از مسلمانان، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا و حفظ امنیت و منافع ملی خویش، اقدام به حمایت از محور مقاومت نموده است؛ بنابراین دلایل حمایت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت را می‌توان با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری تبیین کرد. به عبارتی، ایران با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی و باورها و ارزش‌های انقلابی در سوریه، فلسطین، عراق، یمن و لبنان، به دنبال حفظ ثبات و امنیت در منطقه غرب آسیا و تشکیل اتحادی از گروه‌ها و کشورهایی است که با آن‌ها به لحاظ دینی، فرهنگی، ارزشی، ایدئولوژیک و هویتی دارای باورها و ایستارهای مشترک می‌باشد.

## منابع

- ابوالفتحی، محمد؛ دانش نیا، فرهاد و حشمتی جدید، حمیدرضا (۱۳۹۴). مفهوم ژئوپلیتیک شیعه؛ برآیند تقابل بیندذهنی انقلاب اسلامی و جبهه مخالف آن، سیاست دفاعی، ۲۴(۹۳)، ۱۴۳-۱۸۸.
- بابایی، پویان (۱۳۹۴). علل گرایش به محور مقاومت در یمن، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۶(۶۲)، ۸۵-۱۰۸.
- باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی و مکتب سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۲۷-۵۰.
- بی‌نا (۱۳۸۵). نگرشی بر مبانی حمایت از مقاومت اسلامی در سیاست خارجی ایران / مقاومت اسلامی و منافع ملی، پگاه حوزه، (۱۹۶).
- بیلیس، جان و استیو، اسمیت (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران، جلد اول.
- جباری ثانی، عباسعلی و چگینی، عباس (۱۴۰۰). تبیین جایگاه جبهه مقاومت اسلامی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۱۱-۱۳۲.
- جمشیدی، محمدحسین؛ سلطانی نژاد، احمد و معصوم زاده، نیکبود (۱۳۹۵). ارزیابی نظری رابطه مسئولیت حمایت و حاکمیت دولت‌ها از منظر سازه‌انگاری، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۸(۲۶)، ۲۷-۵۸.
- دهشیری، محمدرضا و عبدالله خانی، علی (۱۳۹۴). رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (مطالعه موردی بحرین و سوریه)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴(۱۵)، ۵۵-۷۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- رجبی، محمد (۱۴۰۰). راهبردهای سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان اسلام. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۷۹-۲۰۱.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱). بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، علوم سیاسی، ۱۵(۵۸)، ۱۷۷-۲۰۰.
- ریاضی، وحید (۱۴۰۰). مکتب سلیمانی؛ پیشران زمینه‌ساز ظهور. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۹-۲۶.
- زارعان، احمد (۱۳۹۵). چشم‌انداز مقاومت فلسطین در چالش‌های هویتی غرب آسیا، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۷(۲): ۱۰۷-۱۳۱.
- سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱(۴۱)، ۳۷-۶۳.
- صادقی، سید شمس‌الدین و لطفی، کامران (۱۳۹۵). بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور مقاومت اسلامی، سیاست جهانی، ۵(۱)، ۴۱-۶۹.

- عباسی، مجید و صادقی، حسن (۱۳۹۱). تأثیر سیاست‌های آمریکا و فرانسه بر روابط جمهوری اسلامی ایران و لبنان، سیاست خارجی، ۲۶(۱)، ۱۶۳-۱۸۶.
- عراقی، عبدالله (۱۳۹۴). نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا با تأکید بر حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران، سیاست دفاعی، ۲۴(۹۳)، ۱۰۱-۱۴۲.
- علی حسینی، علی؛ یزدانی، عنایت‌الله و بهزادی بیرک علیا، زهرا (۱۳۹۴). اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه و بازتاب آن در سیاست‌های اردوغان (براساس تئوری سازه‌نگاری)، تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۷(۲۵)، ۱-۲۵.
- علیزاده، عظیم و احمدی مقدم، اسماعیل (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر متقابل عوامل موثر بر تحولات سیاسی-امنیتی یمن و سناریوهای پیش رو. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۷۷-۱۱۰.
- فانضی، محمد محسن (۱۳۹۵/۱۲/۴). ۳ نکته درباره حمایت ایران از حماس و مقاومت فلسطین / ایران، فلسطین را محور وحدت جهان اسلام می‌داند، سایت فردا، دسترسی ۱۳۹۶/۰۸/۲۶ آدرس اینترنتی: [www.fardanews.com/fa/news/635379/3](http://www.fardanews.com/fa/news/635379/3)
- فرزندی اردکانی، عباسعلی (۱۳۹۲). درآمدی بر استراتژی صدور انقلاب از منظر امام خمینی (اهداف، ابزار و خط‌مشی صدور انقلاب)، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۱۹۹-۲۲۶.
- فوزی، یحیی و علی بخشی، عباس (۱۳۹۵). وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران، اندیشه سیاسی در اسلام، ۳(۷)، ۹۹-۱۲۲.
- قاسم، نعیم (۱۳۸۷). حزب‌الله لبنان: خط‌مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمدمهدی شریعتمدار، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- قرلسفلی، محمدتقی و فرخی، سمیه (۱۳۹۲). پارادایم مقاومت و بیداری اسلامی در پرتو تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه، مطالعات جهان اسلام، ۱(۲)، ۱۳۹-۱۶۰.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۸۴). تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت و مسئله غرب، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). نقش ج.ا.ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت، پژوهش ملل، ۲(۲۰)، ۱-۱۴.
- کشاوری شکری، عباس و هاجر صادقیان (۱۳۹۲). سیاست خارجی و مواضع دولت ایران و دولت‌های عربی در قبال جنگ سی‌وسه روزه لبنان، مطالعات جهان اسلام، ۱(۲)، ۷۹-۱۱۴.
- متقی، افشین و قره بیگی مصیب (۱۳۹۳). واکاوی گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی ایران از نظرگاه نظریه سازه‌نگاری، پژوهشنامه متین، ۱۶(۶۴)، ۱۳۱-۱۴۹.
- متقی، افشین (۱۳۹۴). واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳(۱۲)، ۱۴۱-۱۶۱.

مهتدی، محمدعلی (۱۳۹۵/۶/۳) «تحولات منطقه به سود محور مقاومت است»، سایت دیپلماسی ایرانی،

دسترسی در ۳۰ آبان ۱۳۹۶. <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1962452>

نجات، سید علی و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲). بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی در بحران سوریه،

پژوهش‌های سیاسی، ۳(۳)، ۲۹-۴۹

نجف زاده، فاطمه؛ حیدرپور، ماشالله و ترابی، محمد (۱۴۰۰). نقش جبهه مقاومت اسلامی در سیاست‌گذاری

عمومی ایران در مقابله با تحریم‌های یک جانبه آمریکا. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۳۳-۱۵۴.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲). سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، سیاست خارجی، ۷(۴)، ۹۱۵-۹۴۹.

هوپیف، تد (۱۳۸۶). نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل: نئوواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب

برسازی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

Al-Tamimi, Aymenn Jawad. Fall 2013. "The Islamic State of Iraq and Al-Sham". Middle East Reviwe of International Affairs, Vol. 17, No.3.

Guzzini, Stefano (2005), "The concept of power, a constructivist Analysis", Millennium Journal of International Studies, 33, at: <http://www.Sagepublications.com>

Karimifard, Hossein (2012), "Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", *Asian Social Science*, Vol. 8, No. 2

Mohns, Erik; Andre Bank. 2012. "Syrian Revolt Fallout: End of the Resistance Axis?", Middle East Policy Council, N.3, <http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/syrian-revolt-fallout-end-resistance-axis>.

Wendt, A. (1994), "Collective Identity Formation and the International State". American Political Science Review.

<https://hawzah.net/fa/Article/View/98306>